

انسان اخلاقی در فضای مجازی

حسین شیخ رضائی

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

در شبکه‌های اجتماعی، تحقیقی نسبتاً معتبر نشان می‌دهد که تا سال گذشته دست کم ۵۳ درصد از ایرانیان عضو یکی از شبکه‌های اجتماعی بوده‌اند و حدود بیست میلیون ایرانی از تلگرام استفاده می‌کرده‌اند.

اما برای به‌دست آوردن تصویری واقع‌گرایانه‌تر از شیوه برخورد ما با شبکه‌های اجتماعی، این را هم در نظر بگیرید که به‌رغم این حجم استفاده و این میزان نفوذ، هنوز در رسانه‌های رسمی کشور مانند صدا و سیما یا در سخن‌تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌مداران مرتبط با این حوزه، کمتر سخن مثبتی درباره فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌شنویم. سخن غالب در گفتمان رسمی کشور خطرات این فضا، انواع استفاده‌های نادرست از آن، بیماری‌های ناشی از اعتیاد به آن، مزایای انواع سیاست‌های محدودکننده و توطئه‌های مخوف بین‌المللی در پشت فضای مجازی است. در این گفتمان، اگرچه برنامه‌ها و افراد و نهادها هر کدام برای خود صفحه و کانال و گوشه‌ای در فضای مجازی دارند، از مثبت سخن گفتن درباره فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی پرهیز می‌کنند.

در چنین جوی که در آن عموم مردم به راه خود می‌روند و بیش از متوسط‌های جهانی از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و بعضی از سیاستمداران اصولاً چنین پدیده‌ای را به رسمیت نمی‌شناسند و منکر هرگونه مزیتی برای آن هستند، سخن گفتن از اخلاق فضای مجازی و به‌خصوص اخلاق شبکه‌های اجتماعی دشوار یا شاید ناممکن است. هر از گاهی خبر حمله کاربران ایرانی به سایت یا صفحه آن بازیگر و این ورزشکار و آن داور یا سیاستمدار را می‌شنویم و با خواندن حجم دشنام‌ها و میزان تعصب‌ها و نفرت‌ها پای آن صفحه، از خود شرمنده می‌شویم و بعد، برای چند ساعتی سخن از اخلاق فضای مجازی می‌گوییم اما نمی‌دانیم چگونه می‌شود مشکل را به شکلی عقلانی طرح و درباره آن بحث کرد تا هم در زمره مخالفان سرسخت فناوری‌های دیجیتال قرار نگیریم و هم از موضوع ضرورت حفظ اخلاق در فضای مجازی سخن گفته باشیم.

در این میان، شاید معلمان و دست‌اندرکاران آموزش بتوانند با طرح موضوع اخلاق فضای مجازی در کلاس‌های درس و با دعوت از دانش‌آموزان برای بحث درباره آن نسل آینده را با این موضوع آشناتر کنند اما برای این کار از کجا می‌توان آغاز

بسیاری از ما این روزها زمان نسبتاً زیادی را در اینترنت یا به اصطلاح فضای مجازی می‌گذرانیم؛ خواه به دنبال یافتن مطلبی علمی باشیم، خواه اخبار را بخوانیم، خواه بازی کنیم و خواه در شبکه‌های اجتماعی مشغول پست گذاشتن و پست خواندن یا عکس گذاشتن و عکس دیدن و منتشر کردن نوشته‌ها و عکس‌های دیگران و سرک کشیدن در پروفایل آن‌ها باشیم. حتی اگر خودمان هم از معدود کسانی باشیم که هنوز از شهروندان این دنیای مجازی نشده‌اند، حتماً در مترو و اتوبوس و تاکسی و پیاده‌رو دیده‌ایم که دیگری سر در ابزار الکترونیکی خود دارند و با حرکت دادن دست روی صفحه روشن مقابلشان گاه می‌خندند و گاه سری تکان می‌دهند. پس، دست کم همه توافق داریم که در مقایسه با ده - پانزده سال پیش تغییر مهمی ایجاد شده است؛ واقعیتی به زندگی ما وارد شده که حتی اگر آن را مجازی هم بخوانیم، از واقعی بودنش کم نمی‌شود.

فقط برای اینکه اهمیت مطلب تا حدودی دستتان بیاید، به این گفته یکی از اعضای شورای عالی فضای مجازی کشور توجه کنید که «بیش از شصت درصد پهنای باند اینترنت در کشور صرف تلگرام می‌شود» و این را هم بدانید که به‌رغم نبود آمار و ارقام قابل اعتماد درباره میزان حضور ایرانیان

کرد؟ شاید در اینجا دو نکتهٔ مقدماتی از همه مهم‌تر باشد؛ نخست اینکه بپذیریم فناوری‌های دیجیتال و اطلاعاتی به‌رغم همهٔ مشکلاتی که ایجاد کرده‌اند چنان امکانات و توان‌هایی به ما داده‌اند که بدون آن‌ها جهان ما حتماً چیزی کم خواهد داشت. شکستن انحصار اطلاعاتی، متصل کردن افراد به هم، تسهیل زندگی، صرفه‌جویی در انرژی و هزینه‌ها، دادن فضای ابراز نظر به افراد گمنام و در حاشیه، کمک به آموزش و یادگیری، دموکراتیک کردن بسیاری از فرایندها که پیش از این انحصاری بوده‌اند و ده‌ها و صدها مورد دیگر را می‌توان بر این فهرست افزود. این‌ها البته همه در کنار مشکلاتی مانند در خطر افتادن حریم خصوصی، خطر دسترسی افراد نامربوط به اطلاعات، کم شدن زمان تعامل‌های چهره به چهرهٔ افراد، شکاف نسلی به دلیل اختلاف در مهارت استفاده از اینترنت، خطر هک شدن سایت‌ها و اطلاعات، امکان دزدی‌های سازمان‌یافتهٔ اطلاعات، کم شدن سرانهٔ کتاب‌خوانی و بسیاری موارد دیگر است. خلاصه اینکه نخستین گام برای طرح موضوع اخلاق فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به رسمیت شناختن آن‌ها و توجه به مزایای مهم آن‌ها در کنار معایب و مشکلاتشان است.

نکتهٔ اساسی دوم تأکید بر این امر است که ما انسان‌هایی که از فضای مجازی استفاده می‌کنیم همان انسان‌هایی هستیم که در دنیای واقعی زندگی می‌کنیم و به هر دلیلی که مراعات اخلاق در دنیای واقعی لازم باشد، دقیقاً به همان دلیل لازم است در فضای مجازی هم اخلاق را رعایت کنیم. اخلاق برای انسان‌هاست نه برای فضاها. پس، مادام که انسانی واحد در فضای مجازی و واقعی زندگی می‌کند، رعایت اصول اخلاقی برای او لازم است. بر همین مبنا، قواعد و اصول بنیادین اخلاقی حاکم بر فضای مجازی همان قواعد و اصول بنیادین حاکم بر فضای واقعی است. اگر دروغ‌گویی و دزدی و تقلب در فضای واقعی نادرست است، به همان دلایل در فضای مجازی نیز نادرست خواهد بود، و باز در تکمیل مطالب باید گفت میان فضای مجازی و فضای واقعی پیوستگی و انصالی مهم وجود دارد. امروزه این دو حوزه چنان در هم تنیده‌اند که مرز کشیدن میان آن‌ها دشوار شده است. پس باز به این دلیل، نیاز به رعایت اخلاق در فضای مجازی به همان دلایل نیاز به رعایت اخلاق در فضای واقعی توجیه خواهد شد.

علاوه بر این دو نکتهٔ مقدماتی می‌توان دانش‌آموزان را از راه مواجه کردن آنان با مسائل و موارد اخلاقی در فضای مجازی به تأمل دربارهٔ اخلاق در فضای مجازی دعوت کرد و به آنان نشان داد که این فضای تازه مسائل اخلاقی تازه‌ای نیز به همراه دارد. مثلاً یک پرسش جالب این است که وجود هویت‌های مجازی ساختگی و جعلی در شبکه‌های اجتماعی، یعنی به اصطلاح پروفایل‌هایی که شخصیتی واقعی با آن نام‌ها و عناوین پشتشان نیست، چه مسائل اخلاقی خاصی

ایجاد می‌کند. چرا اگر کاربری با اسم مستعار وارد بحثی شود یا با اسم مستعار نظرش را در زیر نوشتهٔ کسی بگذارد، چیزی خواهد نوشت که با نوشتهٔ او وقتی هویتش معلوم باشد فرق می‌کند؟ شنیدن تجارب دانش‌آموزان از تجربهٔ کسب هویت‌های تازه در فضای مجازی و بحث دربارهٔ مزایا و معایب آن و راه‌های کاستن از مشکلات هویت جعلی از جمله بحث‌هایی است که می‌تواند دانش‌آموزان را نسبت به اخلاق فضای مجازی حساس کند.

رسیدن به فهرست‌هایی متفاوت از مرامنامه‌های اخلاقی پیشنهادی گروه‌های دانش‌آموزی و آنگاه بحث دربارهٔ آن‌ها در کلاس و تلاش برای قانع کردن دیگران از فعالیت‌های سازنده‌ای است که حساسیت‌های اخلاقی را افزایش خواهد داد

موضوع دیگر دعوت از دانش‌آموزان به فعالیت‌های سازنده است؛ دعوت از آنان برای کار گروهی در مورد تدوین مرامنامه‌های اخلاقی برای فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی. اگر قرار باشد دانش‌آموزان متولی و مسئول تنظیم اخلاقیات در فضای مجازی باشند، چه اموری را در اولویت قرار می‌دهند و توجیه‌شان برای این امور چیست. رسیدن به فهرست‌هایی متفاوت از مرامنامه‌های اخلاقی پیشنهادی گروه‌های دانش‌آموزی و آنگاه بحث دربارهٔ آن‌ها در کلاس و تلاش برای قانع کردن دیگران از فعالیت‌های سازنده‌ای است که حساسیت‌های اخلاقی را افزایش خواهد داد. به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، می‌توان دربارهٔ محتواهای غیراخلاقی برخی سایت‌ها و کانال‌ها با دانش‌آموزان بحثی ترتیب داد؛ اینکه اصولاً محتوای غیراخلاقی چیست

و چه نشانه‌هایی برای شناخت آن وجود دارد؛ اینکه چرا برخی محتواها برای همهٔ گروه‌های سنی مناسب نیست، چرا لازم است تا پیش از رسیدن دانش‌آموزان به سن قانونی نظارتی بر نحوهٔ استفادهٔ آن‌ها از اینترنت وجود داشته باشد، مرجع اعمال این نظارت کیست و این مرجع تا کجا مجاز به محدود کردن دانش‌آموزان است. توجه به این نکته لازم است که محتوای غیراخلاقی محدود به سایت‌های هرزه‌نگاری نیست و سایت‌ها و کانال‌های مروج خشونت، نژادپرستی، اقدامات جنگ‌طلبانه و مواردی از این‌گونه را هم شامل می‌شود. چنین بحث‌هایی سبب خواهد شد به جای صحبت‌های درگوشی و مخفیانه، دانش‌آموزان دغدغه‌های خود را در فضایی عمومی و باز مطرح کنند.

واقعیت فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در آینده بیش از فضای واقعی خواهد بود. با پرده کشیدن به روی موضوع و انکار آن مشکلی حل نخواهد شد. ما نیاز داریم علاوه بر تشویق و ترغیب استفاده‌های درست از این فضا، دربارهٔ ابعاد اخلاقی آن هم بیندیشیم و از پیش، برای آنچه قرار است در آینده بخش عمدهٔ زندگی نسل بعد را بسازد، راهکارهای اخلاقی اتخاذ کنیم.